



مدیقه سعیدی - رئیس کمیسیون بازرگانان

علت رانت ؛ مداخله دولت در اقتصاد

در نظریه‌ی اقتصادی مطرح شده توسط دیوید ریکاردو در خصوص رانت تعریفی کلیشه‌ای ارائه شده است او می گوید از آن‌جا که تمام زمین‌ها باروری و حاصل‌خیزی یکسانی ندارند، عواید حاصل از آن‌ها برابر نخواهد بود و قطعاً زمین‌دارانی که زمین‌های باکیفیت‌تری دارند، درآمد بیشتری خواهند داشت در صورتی که این عایدی بیشتر ناشی از کار آنان نیست و صرفاً به کیفیت بهتر زمین مربوط می شود. ریکاردو این عایدی بیشتر را تحت عنوان رانت زمین داران دارای زمینهای باکیفیت مطرح کرده است.

با دقت بیشتر به تعریف سنتی رانت متوجه می‌شویم که در واقع رانت نوعی امتیاز است. در دنیای مدرن امروزی رانت دیگر تنها آن تعریف مرتبط با زمان اقتصاد فئودالی نیست. امروزه هرگونه امتیاز انحصاری ممکن است ظرفیت آن را داشته باشد تا واژه‌ی رانت بر آن اطلاق گردد.

به عنوان نمونه در نظر بگیرید گروهی به صورت انحصاری اطلاعات مربوط به قیمت‌های ارز را در اختیار داشته باشد. بدیهی است که این گروه در صورتی که بخواهد می‌تواند از این امتیاز استفاده نموده و از آن کسب درآمد کرده و به اصطلاح رانت‌خواری کند . پس «رانت» به معنای وسیع کلمه، هر نوع امتیاز، فرصت، امکان، منبع و منفعتی است که دولت (و نظام‌های رسمی و شبه‌رسمی کشور) از منابع عمومی بدون زحمت و تلاش گیرنده در اختیار وی قرار داده و موجب ارتقای کیفیت و سطح زندگی، افزایش درآمد و سود یا ارتقای پرستیژ، موقعیت و منزلت اجتماعی و سیاسی رانت‌گیرنده می‌شود که می‌تواند با توجه به شایستگی‌ها، توانمندی‌ها و استحقاق گیرنده باشد یا نباشد.

از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد، برخی از اقتصاددان‌ها مفهوم نسبتاً جدیدی را برای

رانت مطرح کردند. بنابر نظر آنان علت رانت مداخله‌ی دولت در اقتصاد است. این کارشناسان ابراز می‌کنند که مداخله‌ی دولت سازوکار بازار را به سمت ایجاد فرصت‌های انحصاری برای برخی گروه‌ها سوق می‌دهد و موجب می شود رانت‌خوار یا با توسل به عوامل اقتصادی مثل سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، محدودیت‌های بازرگانی، انحصار در تولید (رانت اقتصادی)، یا با دستیابی انحصاری و پیش از موعد به اطلاعات اقتصادی در زمینه‌هایی مثل بازار سرمایه (رانت اطلاعاتی)، یا با بهره‌مندی از توزیع منابع ثروت و قدرت توسط دولت و احزاب به واسطه عضویت در آنها (رانت سیاسی)، یا با بهره‌برداری از روابط خویشاندی، قرار گرفتن در یک گروه یا تشکل خاص (رانت اجتماعی)، ثروت‌های کلانی را حاصل کند که نتیجه آن را می‌توان توزیع ناعادلانه ثروت و گسترش تبعیض دانست. تأثیر رانت بر جامعه تنها محدود به تبعات اقتصادی نمی‌شود. رانت‌خواری علاوه بر گسترش تورم، فقر، بی‌عدالتی، فساد و ... باعث می‌شود تا افراد خلاق جامعه و متخصصین دست از تولید شسته، رو به سمت مهاجرت و یا رو به سمت انفعال بیاورند.

رانت خوار با اتلاف انبوه منابع اقتصادی، انتقال منابع از فعالیت‌های مولد به فعالیت‌های غیرمولد، گسترش فساد اقتصادی، مخدوش کردن سیستم انگیزه‌ها و ایجاد تصلب‌های نهادی و ناهنجاری‌های ساختاری نه تنها آهنگ رشد اقتصادی را آهسته می‌سازد، بلکه با سست کردن پایه‌های پویایی و ثبات اقتصادی و سیاسی جامعه عملاً مانع از توسعه اقتصادی کشور می‌شود.

سوال این است که چه باید کرد ؟

۱. تجربه کشورهایی که به این بیماری مزمن دچار شده اند نشان می دهد که بدنه بزرگ دولت و وجود شرکت های دولتی و شبه دولتی و حاکم بودن اقتصاد دولتی در این کشورها دلیل اصلی این موضوع بوده است. شاید اگر دولت ما بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی بستر را برای حضور و فعالیت بیشتر بخش خصوصی فراهم



کند، هم فضای اقتصادی سالم تر و هم ارزش افزوده‌ای که خلق می‌شود به مراتب بالاتر باشد ۲. از طرفی دیگر هر چه راه افشاگری صحیح و دقیق از طریق رسانه‌ها بیشتر باشد، از گسترش آن جلوگیری می‌شود. آزادی کامل رسانه‌ها و دسترسی به اسناد و مدارک کلیه حساب‌ها و انتشار آنها ضروری است. بدین منظور یکی از مصادیق شفافیت، شفافیت مالی و فعالیت‌های اقتصادی است.

ایران در سال‌های اخیر در خصوص مبارزه با پولشویی قوانینی را به تصویب رسانده و اقداماتی را انجام داده است. قانون آزادی اطلاعات هم که چند سال قبل به تصویب رسید از قوانینی است که می‌تواند از رانت خواری و از اعمال نفوذ و سوءاستفاده مسئولان از قدرت و اعتبار اجرایی و حکومتی‌شان جلوگیری کند. به عبارت دیگر، اگر اطلاعات عمومی دستگاه‌های دولتی و اداری به آسانی و سهولت در اختیار شهروندان قرار بگیرد، وقتی که یک مسئول، نظارت همگانی را بر رفتار خود ببیند، مشخصاً در رفتار خود دقت نظر خواهد داشت و عملکرد خود را مطابق قوانین، تغییر خواهد داد.

(متأسفانه قانون آزادی اطلاعات، قانون ارتقای

سلامت اداری، قانون مبارزه با پولشویی و بسیاری از قوانین دیگر که در راستای مبارزه با رانت خواری و فساد دستگاه‌های اداری تصویب شده، هیچ کدام از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیست و اراده قوی هم برای اجرای آن وجود ندارد) مشکل اساسی در راه اجرای این بند این است که نهادهای درآمدزا و ارگان‌هایی که در مسائل اقتصادی و مسائل بازرگانی دخالت می‌کنند معمولاً نهاد‌هایی هستند که توسط دستگاه‌های نظارتی بر آنها نظارتی صورت نمی‌گیرد یا این نظارت، بسیار کم‌رنگ است.

نتیجه اینکه :

اولاً) شفافیت فعالیت‌های افراد در کلیه بخش‌های حکمرانی اعم از قانونگذاری، اجرایی، قضایی، لازم و ضروری است.

ثانیاً) بدنه بزرگ دولت و دخالت وی در امور مختلف و تصدی در اموری که مربوط به بخش خصوصی است خود ایجادکننده فساد است. بنابراین کاهش تصدی‌گری و کوچک‌سازی دولت، خصوصی‌سازی و واگذاری‌های عادلانه و منطقی برخی از امور به این بخش از دیگر راهکارهای مبارزه با فساد و رانت می‌باشد.